

## Biography of Imam Reza (AS) in Family And Child Rearing; Reflecting on New Approaches

### ARTICLE INFO

#### Article Type

Analytical Review

#### Aurhors

Rabea Herati <sup>1</sup>,  
Alireza Mahmoudnia <sup>2</sup>,  
Akbar Salehi <sup>3</sup>,  
Susan Keshavarz <sup>4</sup>

#### How to cite this article

Rabea Herati, Alireza Mahmoudnia, Akbar Salehi, Susan Keshavarz, Biography of Imam Reza (AS) in Family And Child Rearing; Reflecting on New Approaches, Journal of Islamic Life Style Centered on Health. 2020;4(3):26-33.

1 PhD student in Philosophy of Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University; Instructor of Farhangian University of Mashhad (responsible author).

2 Associate Professor of Philosophy of Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

3 Assistant Professor of Philosophy of Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

4 Associate Professor, Philosophy of Education, Faculty of Psychology and Educational Sciences, Kharazmi University, Tehran, Iran.

#### \* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: ra\_harati@yahoo.com

#### Article History

Received: 2020/08/10

Accepted: 2020/09/22

ePublished: 2020/10/24

### ABSTRACT

**Purpose:** The family is recognized as the first pillar of upbringing and plays an indispensable role in the development of various individual and social aspects of the child. In such a way that the effects of education are evident until the end of life. according to this; Various schools have theorized in the field of education and reform of education issues. In the meantime, some have taken a new approach to family issues. On the other hand, Imam Reza (AS) with the title of Alam Mohammed (AS) has been a practical leader of education.

**Material and Methods:** In this research, with an interdisciplinary view, an attempt has been made to describe the biography of Imam Reza (as) in the family and the upbringing of children with reflection on new approaches; To be studied as a goal. Using descriptive-analytical method; From the type of conceptual analysis, first, the new approaches and biography of Imam Reza (AS) in the family and child rearing have been studied and then the result of applying different orientations in this field has been expressed.

**Finding:** The findings showed that the four indicators of human dignity, social education, respect for human differences and dialogue are among the things that are common in the views of Satir, Minouchin and Imam Reza (AS). In discussing differences; Satir has been content with the flourishing of man, but with an understanding that came from the biography of Imam Reza (AS); He is not satisfied with the flourishing of talents and wants human perfection and excellence. In the view of Satir, the family is introduced as a humanizing factory, but understanding the life of Imam Reza (AS) showed that the family is a place where children grow up based on their competencies and proper upbringing.

**Conclusion:** New approaches are more focused on the treatment of issues and problems, while in the life of Imam Reza (AS) the aspect of prevention is more obvious. Conclusion It is possible to promote systemic thinking in new approaches with an Islamic approach.

**Keywords:** Child Upbringing, Family, New Approaches, Imam Reza's Life

## سیره امام رضا (ع) در خانواده و تربیت فرزند؛ با

## تأملی بر رویکردهای نوین

رابعه هراتی<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه خوارزمی؛ مربی دانشگاه فرهنگیان مشهد (نویسنده مسئول).

علیرضا محمودنیا<sup>۲</sup>

دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی تهران، ایران.

اکبر صالحی<sup>۳</sup>

استادیار فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی تهران، ایران.

سوسن کشاورز<sup>۴</sup>

دانشیار فلسفه تعلیم و تربیت، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه خوارزمی تهران، ایران.

## چکیده

**هدف:** خانواده به‌عنوان اولین رکن تربیت شناخته شده است و نقش بی‌بدیلی در پرورش جنبه‌های مختلف فردی و اجتماعی فرزند دارد. به‌گونه‌ای که آثار تربیت تا پایان عمر مشهود است. بر این اساس؛ مکاتب گوناگون در زمینه تربیت و اصلاح مسائل تربیت به نظریه‌پردازی پرداخته‌اند. در این بین بعضی با رویکردی نو به مسائل خانواده نگریسته‌اند. از طرفی امام رضا (ع) با لقب عالم آل محمد (ص) راهبر عملی تربیت بوده است. در این پژوهش، با دید میان‌رشته‌ای تلاش شده است سیره امام رضا (ع) در خانواده و تربیت فرزند با تأملی بر رویکردهای نوین؛ به عنوان هدف مورد مطالعه قرار گیرد.

**روش:** این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی؛ از نوع تحلیل مفهومی، ابتدا به بررسی رویکردهای نوین و سیره امام رضا (ع) در خانواده و تربیت فرزند پرداخته و سپس برآیند تطبیق جهت‌گیری‌های مختلف در این زمینه بیان شده است.

**یافته‌ها:** یافته‌ها نشان داد که چهار شاخص کرامت انسانی، تربیت اجتماعی، رعایت تفاوت انسان‌ها و گفت‌وگو از مواردی است که در دیدگاه ستیر، مینوچین و امام رضا (ع) مشترک است. در بحث تفاوت؛ ستیر به شکوفای شدن انسان بسنده نموده، ولی با فهمی که از سیره امام رضا (ع) برآمد؛ وی به شکوفایی استعدادها بسنده ننموده و کمال و تعالی انسان را خواهان است. در دیدگاه ستیر خانواده به عنوان کارخانه انسان‌سازی معرفی شده است، ولی فهم سیره امام رضا (ع) نشان داد خانواده مکانی است که فرزندان بر اساس شایستگی‌های خود و تربیت صحیح رشد می‌کنند.

**نتیجه‌گیری:** رویکردهای نوین بیشتر بر درمان مسائل و مشکلات متمرکز است، در حالیکه در سیره امام رضا (ع) بیشتر جنبه پیش‌گیری بارز است.

**واژه‌های کلیدی:** تربیت فرزند، خانواده، رویکردهای نوین، سیره امام رضا (ع).

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۵/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۱

\*نویسنده مسئول: ra\_harati@yahoo.com

## مقدمه

فطرت و سرشت انسان به منزله ماده‌ای است که با تربیت صحیح، صورتی مناسب به آن داده می‌شود و موجود را به مقصدی که در طبیعتش به صورت فطری نهادینه و در ذاتش مقدر شده است، می‌رساند (۱). در گزاره‌های دینی، از یک‌سو تلاش می‌شود برای والدین در برابر فرزندان و تربیت آنان تعهد و التزام ایجاد شود و از سوی دیگر موجب پرورش فرزندان مسؤلیت‌پذیر و متعهد گردد (۲). در جوامع امروزی؛ خانواده اجتماعی کردن فرزندان را به مرور زودتر رها می‌کند و راهنمایی و تربیت بچه‌های بزرگ‌تر را مدرسه، وسایل ارتباط جمعی و گروه هم‌سالان به‌عهده می‌گیرند. در صورتی که جامعه منابع برون‌خانگی مناسب برای اجتماعی کردن و حمایت ایجاد نکرده است (۳).

با رهاشدن فرزندان و دور ماندن از تربیت صحیح خانواده، انواع آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد، فحشا، دزدی، انحرافات جنسی آنها را تهدید می‌نماید. در اکثر مواقع، بحران‌های اجتماعی تابعی از بحران‌های تربیت خانوادگی هستند. علاوه بر آن آسیب‌های نوظهور که در نتیجه استفاده نادرست از فضای مجازی به‌وجود می‌آید، تهدیدی جدی برای سلامت روحی و حتی جسمی فرزندان به‌شمار می‌رود. در صورتی که تدابیر لازم در این زمینه اتخاذ نگردد، سرمایه انسانی کشور رو به تباهی می‌رود. از سوی دیگر متخصصان تعلیم و تربیت ریشه بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری را در دوران کودکی فرد و در بستر خانواده جستجو می‌کنند و گاهی کارآمدی خانواده در پرورش کودکان را به چالش می‌کشند. بر این مبنا دشوار است که خانواده به تنهایی بتواند از عهده این امر خطیر بر آید و باعث رشد و تعالی فرزندش گردد. بلکه هر خانواده‌ای برای هدایت اصولی و رشد دادن فرزند خود، باید فلسفه‌ی تربیتی خود را بر اساس اندیشه‌های روشن و مشخص از نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران حوزه تعلیم و تربیت استوار نماید.

از آن‌جاکه خانواده، یک بخش ضروری جامعه و مهد فرزندان برای رشد است (۴)؛ توسعه فرهنگ آموزشی والدین یکی از راه‌های درک خانواده توسط فرزندان می‌باشد و می‌تواند آن‌ها را به‌عنوان والدین موفق به‌طور مؤثر در تعامل با فرزندان خود، به اجتناب از اشتباه در زمینه تربیت خانوادگی کمک کند (۵). والدین و معلمان بایستی درباره عوامل مؤثر در شکل دادن سبک زندگی فرزندان آگاه باشند تا بتوانند شیوه‌های زندگی صحیح را در آن‌ها شکل دهند (۶). در این زمینه با نظر به تعهد و التزامی که برای تربیت فرزند پیش روی خانواده قرار گرفته است، تربیت در خانواده بدون شناخت والدین از علم تربیت ممکن نمی‌باشد.

یکی از مهمترین نظراتی که در چند دهه اخیر در این زمینه مطرح شده نظریه مینوچین است. وی خانواده را به‌عنوان سیستم تعبیر نمود که در آن والدین یک خرده‌سیستم اجرایی را تشکیل می‌دهند و مسوول فرزندان هستند. خانواده دارای کارکردهایی از جمله اجتماعی شدن فرزندان و حمایت متقابل زوجین است که از طریق خرده‌سیستم‌هایی با مرزهای مناسب به انجام می‌رسند. در مرزهای درهم‌تنیده یا بسیار انعطاف‌پذیر و گسسته؛ خانواده دچار بحران می‌گردد؛ یعنی زمانی که فرزندان به استقلال نرسند و یا از حمایت کافی برخوردار نشوند (۷). ویرجینیا ستیر به عنوان یک روان‌درمانگر انسان‌گرا، باور به ایجاد عزت‌نفس و خودارزشمندی و نیز خودشکوفایی در افراد خانواده دارد. وی شرط اصلی همدلی، احترام مثبت نامشروط و هماهنگی و یکپارچگی کارل راجرز را اجرا نمود. از نظر (۸) جو عاطفی خانواده ضامن سلامت و شکوفایی فرزندان است. والدین باید فضایی آرام، متعادل و حمایت‌کننده را برای فرزندان خویش مهیا کنند. (۹) نیز هم‌راستا با نوایی‌نژاد وضعیت مناسب خانوادگی، نحوه ارتباط والدین با فرزندان، رفتار و نگرش والدین و کمیت و کیفیت علاقه‌مندی آنها را در رشد توانایی‌های فرزندان مؤثر دانست. از نظر (۱۰) خانواده، نهاد طبیعی جهت تعالی فردی است. البته برای بسیاری، دین نهادی

کودکان<sup>۲</sup> در خانواده به عنوان یکی از مقوله‌های اساسی و بنیادین برای سعادت آن‌ها ذکر شده است.

در واقع پژوهش‌های بسیاری در زمینه تربیت فرزند از منظر امام رضا(ع) انجام شده است. اما تاکنون روش و رفتار امام رضا(ع) از منظر تربیت فرزند و خانواده؛ با تأمل در رویکردهای نوین خانواده در روان‌شناسی؛ به صورت یک موضوع مستقل، مورد بررسی و تحلیل قرار نگرفته است و همواره این رویکردها به صورت تابعی از مباحث اسلامی مطرح گردیده است. به عنوان مثال (۱۹) مبانی و ساختار زوج‌درمانی اسلامی را بررسی نموده است و به بحث مداخله در مرزها پرداخته و مفهوم مرزها در خانواده را از دیدگاه ساخت‌گراها از جمله مینوچین مطرح نموده است و تشابه آن را با آموزه‌های اسلامی عنوان کرده است.

در این پژوهش با دید میان‌رشته‌ای، مقوله سیره تربیتی امام رضا(ع)، در کنار برخی از رویکردهای نوین خانواده از منظر روان‌شناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد و با نگاهی تطبیقی، تشابهات و اختلافات آن مشخص می‌گردد. سپس برخی از مؤلفه‌های رویکردهای نوین خانواده، بر مبنای سیره تربیتی امام رضا(ع) مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد. بدین منظور، هدف پژوهش از سویی شناسایی سیره امام رضا(ع) در خانواده و تربیت فرزند است؛ و از سوی دیگر، ضمن شناسایی برخی از رویکردهای نوین خانواده در روان‌شناسی، تلاش می‌گردد تا رویکردهای مذکور بر اساس سیره امام رضا(ع) مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد و به نحوی بومی‌سازی گردد. در این راستا پژوهش حاضر به پرسش‌های زیر پاسخ می‌دهد.

۱. سیره امام رضا(ع) در خانواده و تربیت فرزند چگونه بوده است؟
۲. در رویکردهای نوین خانواده، دیدگاه برخی صاحب‌نظران در مورد خانواده و تربیت فرزند کدام است؟
۳. برآیند تطبیق جهت‌گیری‌های مختلف در مورد خانواده و تربیت فرزند و بومی‌سازی آن بر اساس روش تربیتی امام رضا(ع) چیست؟

#### مواد و روش

این پژوهش از نوع کیفی است که از روش "توصیفی-تحلیلی"<sup>۳</sup> از نوع تحلیل محتوا و «تحلیل مفهومی» استفاده نموده است. تحلیل مفهومی ناظر است بر فراهم آوردن تبیین صریح و روشن از معنای یک مفهوم به واسطه توضیح دقیق ارتباط‌های آن با سایر مفاهیم و نقش آن در اعمال اجتماعی ما که داورهای مان درباره جهان را شامل می‌شود. تحلیل مفهومی تلاشی در جهت تغییر مفاهیم ما نیست، بلکه کوشش برای فهم آن است. از آنجاکه مفاهیم ما در زمانمان تجسم یافته، فنون تحلیل مفهومی، فوننی برای آزمون دقیق معنای اصطلاحات است (۲۰). ابتدا منابع قابل استناد و تفسیرهای مبتنی بر روایات امام رضا(ع) و سایر منابع؛ شامل کتب، نشریات و منابع الکترونیکی در زمینه رویکردهای نوین بررسی و اطلاعات جمع‌آوری شده است. سپس همه داده‌ها جداگانه؛ مقوله‌بندی، کدگذاری، طبقه‌بندی و در نهایت مقایسه شده است.

#### یافته‌ها

خانواده به مثابه سیستم: خانواده را به عنوان سیستم این گونه تعریف می‌کنیم؛ موجودی که اجزای آن با هم تغییر می‌کنند و با انحراف برای حفظ تعادل خود، فعال می‌شوند. تعریف نشانگر این مسأله است که، اولاً رفتار اعضای یک خانواده تابعی است از رفتار سایر اعضای خانواده، و ثانیاً خانواده هم مانند هر سیستمی متمایل به تعادل است. لذا رفتار اعضای آن در مجموعه به گونه‌ای است که

فوق‌عادی جهت تعالی است. گاهی خانواده و دین، رفتارهای خود را پای‌بند ارزش‌هایی می‌نمایند که آن ارزش‌ها و اصول متعالی مافوق چیزهای دیگر قرار دارد؛ اما گاهی دولت بر حاکمیت ارزشهای خاص خود اصرار دارد و اصول اخلاقی متداول را به سخره می‌گیرد (۱۱). خانواده درمانی در قرن بیست‌ویکم بر پایه «رویکرد سازه‌گرایی اجتماعی» بنا شده است؛ بدین معنا که تجربه‌های ما تابع تفسیرمان از رخدادهاست و داستانها، تجربه‌های ما را از زندگی شرح می‌دهند. این جابه‌جایی از رفتار به شناخت، دنیای جدیدی از فرصت‌ها و چالش‌ها را فراروی درمانگران می‌گشاید (۱۲).

از دیدگاه صاحب‌نظران هر قدر میان اعضای خانواده ارتباط کلامی و عاطفی بیشتر باشد، روابط اعضای آن خانواده، سالم‌تر، بانشاط‌تر و استوارتر است. «فرار از خانه» پاسخ و واکنشی بارز و گویا به ستیزه‌ها، طردها، مجادله‌ها و ترس‌هاست که به شکل اعتراض و انتقام‌جویی و ابراز خشم و نفرت در مقابل آشفتگی‌های خانوادگی و بی‌عدالتی‌های حاکم در خانواده و در جامعه بروز می‌کند (۱۳). اصولاً خانواده‌های سالم الگوهای ارتباطی خوبی دارند (۱۴). رابطه خوب رابطه‌ای است که برابر باشد و در آن طرفین حقوق و وظایف برابری داشته باشند. در چنین رابطه‌ای، طرفین به یکدیگر احترام می‌گذارند و بهترین را برای هم می‌خواهند. رابطه خالص، بر ارتباط متکی است و درک نگاه طرف مقابل در آن ضرورت دارد (۱۵). امروزه ناسروده خانواده؛ یعنی پرورش، مراقبت و تعاملات حمایت‌آمیز است که بقاء و ادامه زندگی را در دنیای مرموز امروز تضمین می‌کند و آنچنان با واقعیت درهم آمیخته است که بدهی انگاشته می‌شود (۱۶). در پژوهشی (۱۷) نشان دادند که افزایش رضایت از زندگی به دست آمده از سبک زندگی حمایتی خانواده باعث می‌شود، نوجوانان بزه کاری کمتری داشته باشند.

صاحب‌نظران از منظر توجه و تأکید به برخی مقوله‌های تربیت در خانواده، متفاوت به نظر می‌رسند. به طور مثال افلاطون در کتاب جمهور (۱۱) آورده است: مردان و زنان ما باید به وسیله قانون، از زندگی با یکدیگر در خانه‌های جداگانه منع شوند. همچنین کودکان باید به صورت همگانی نگهداری شوند. هیچ یک از والدین نباید فرزند خود را بشناسد یا کودک والدین خود را. و در کالج ولزلی<sup>۴</sup> همین عقیده بیان می‌شود: برای بزرگ کردن کودکان به طور برابر، باید آنان را از خانواده‌ها جدا و به صورت اشتراکی بزرگ کنیم. این درحالی است که پژوهشگر هرگونه جدایی کودکان را از نظام خانواده؛ حتی به بهانه تربیت رسمی و حضور در خوابگاه‌های شبانه‌روزی، ناکارآمد و ناقص حقوق کودکان دانسته و معتقد است که فرزندان در دوران کودکی باید تحت حمایت و سرپرستی والدین خود باشند و به صراحت می‌توان گفت که در این زمینه خانواده جایگزینی ندارد. وجود هرگونه بحران در کودکان و نوجوانان؛ مانند سردرگمی در هویت‌یابی، بزه‌کاری، بیماری‌های روحی و روانی، واکنش‌های اضطراب، افسردگی، پناه بردن به مواد مخدر و بسیاری از ناهنجاری‌های رفتاری درمیان کودکان، زاینده تحولات و دگرگونی‌های سریع اجتماعی و عدم حمایت عاطفی خانواده است.

در تعالیم اسلامی همانند سایر ملل، ادیان و فرهنگ‌ها، ضوابط، اصول، دستورالعمل‌ها و انتظاراتی در جهت مدیریت نظام خانواده و تقسیم نقش‌ها وجود دارد. با مطالعه گزاره‌های دینی و سیره معصومین (ع) می‌توان سبک پسندیده و مورد انتظاری برای خانواده استخراج کرد (۲). «در سیره تربیتی امام رضا(ع) نیز احادیث فراوانی در زمینه تربیت خانوادگی، به‌ویژه نحوه ارتباط افراد خانواده با یکدیگر ذکر شده است» (۱۸) و تربیت صحیح

۱. از نظر کنوانسیون حقوق کودک؛ منظور از کودکان؛ افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال است.

۳. Descriptive-Analytic Method.

۴. Conceptual Analysis.

۲. Wellesley College

حفظ نموده؛ جواهر الهی ذات را بر همه ابعاد موجودیت خود مدیر قرار داده، در مسیر به ثمر رسانیدن ذات خود تکاپو می-نماید (۲۲). هیچ کس کرامت و شرافت کس دیگری را مورد اهانت قرار نمی‌دهد مگر اینکه نخست کرامت و شرافت خود را از دست داده است. در این دنیا زندگی بدون کرامت و شرافت انسانی نه فقط زندگی انسانی نیست، بلکه حتی از زندگی حیوانی پست‌تر است. زیرا بدیهی است که انسان فاقد کرامت و شرافت به جهت داشتن نیروها و استعدادها متنوع، می‌تواند اقدام به تخریب و نابودی کرامت و شرف همه انسان‌ها نماید و برای اشباع خودخواهی‌هایش همه انسان‌ها را به خاک و خون بکشد (۲۳).

در سیره امام رضا(ع) تکریم انسان‌ها به‌عنوان روشی اساسی به‌منظور گرامی داشتن انسان‌ها، نمایان بوده است. امام رضا (ع) برای امام جواد (ع) احترام بسیار قائل بود و وی را گرامی می‌داشت. محدثین ابی‌عباد که به تصویب فضل‌بن‌سهل امور نگارش حضرت رضا (ع) را به عهده گرفته بود، می‌گوید: «حضرت رضا (ع) همواره از فرزند بزرگوارش محمد با کینه (که نزد عرب علامت بزرگداشت و احترام است) نام می‌برد و می‌فرمود: ابوجعفر به من چنین نوشت و من به ابوجعفر چنین نوشتم. با آنکه امام جواد(ع) در مدینه به‌سر می‌برد و کودکی بیش نبود، حضرت رضا(ع) وی را بسیار احترام می‌کرد و نامه‌هایی که از حضرت جواد(ع) به وی می‌رسید، در نهایت بلاغت و زیبایی پاسخ می‌داد» (۲۴).

فلسفه زندگی امام رضا(ع) بر اساس احترام به انسان، به دور از هرگونه تبعیض و نژادپرستی؛ صرفاً در راستای خیر نوع بشر و انسان‌دوستانه، شکل گرفته بود و با برخورد عادلانه و به‌دور از تعصب و پیش‌داوری بر اساس معیارهای قومی و نژادی و دینی، درس زندگی به اطرافیان و خانواده خود می‌داد. وی در تعاملات انسانی در قالب نقش‌های گوناگون پدر، مادر، فرزند، دوست و سایر افراد به انسان‌ها درس نوع‌دوستی می‌دهد.

راوی می‌گوید: «در سالی که امام رضا(ع) قصد سفر به خراسان را داشت؛ برای ادای فریضه حج به همراه فرزندش امام جواد(ع) راهی مکه شد و من نیز افتخار همراهی آنان را داشتم. زمانی که آن حضرت با خانه خدا وداع کرد، فرزندش ابوجعفر بر سنگی نشسته بود و از جای خود بر نمی‌خواست. غلام امام رضا(ع) به نزد آن حضرت رفت و موضوع را مطرح کرد. امام به نزد او آمد و فرمود: چرا بر نمی‌خیزی عزیز من؟ فرمود: چگونه برخیزم درحالی که شما با خانه خدا چنان وداع کردی که گویی دیگر به سوی آن باز نمی‌گردید؟ (۲۵). نوع تعامل آن حضرت با فرزندش، بر اساس تکریم و احترام، مورد توجه اطرافیان قرار گرفت. وی به رابطه متقابل ایمان و اخلاق اشاره نموده و به نقل از رسول گرامی اکرم (ص) فرمود: «کسی که ایمانش برتر از دیگران است، اخلاقش نیکوتر و به خانواده‌اش مهربان‌تر است و من نسبت به خانواده خود، مهربان‌ترم» (۲۵).

بر این مبنا امام رضا(ع) فرزند شایسته‌ای چون امام جواد(ع) را تربیت نمود. رفتار همراه با احترام در خانواده، برای پدران و مادران می‌تواند نیازهای عاطفی فرزندان را ارضا نماید. در کانون گرم خانواده، روح امید و اعتماد در افراد زنده می‌شود و فرزندان به خودباوری و خودشکوفایی می‌رسند. فرزندان باید به این باور برسند که در خانواده دارای حرمت هستند و والدین به آن‌ها عشق می‌ورزند، همان‌گونه که امام جواد(ع) در مورد حضرت رضا(ع) به این باور رسیده بود. البته این مسأله در مورد تمامی افراد خانواده صدق می‌کند.

اصل اول: آگاهی بخشی

اصل آگاهی‌بخشی بدین مضمون است که خانواده باید نسبت به آگاه نمودن فرزندان خود از حقوق انسانی و جایگاه و منزلت انسان در نظام آفرینش، اقدام نمایند. زیرا هر زمانی که حقوق انسانی نادیده گرفته شده است؛ زمینه‌های ظلم و بی‌عدالتی فراهم

تعادل سیستم حفظ می‌شود. یعنی رفتار هر فرد در داخل سیستم؛ نقش فونکسیونل و کارساز دارد و لازمه تعادل سیستم است؛ حتی اگر رفتار ناهنجار باشد. لذا اگر رفتار فرد مغایر چیزی باشد که سیستم را در حالت تعادل نگه داشته، سیستم برای مقابله با این انحراف و حفظ تعادل خود فعال می‌شود (۳). واژه سیستم به معنای مجموعه‌ای متشکل از عناصر مرتبط با یکدیگر که مسؤول انجام کار خاصی هستند. امروزه واژه‌های سامانه، نظام، منظومه، سبک؛ به عنوان هم‌معنی این واژه به کار می‌رود. اگرچه واژه سیستم اغلب برای اشیاء تعریف شده است؛ اما در رویکردهای نوین؛ این تعریف به خانواده نیز تسری پیدا کرده است. فراتر از واژه سیستم، امروزه مسأله پیچیدگی سیستم‌ها مطرح است. تحول در ارتباطات باعث شده روابطی از جنس انسان با اشیاء - مانند آنچه در فضای مجازی اتفاق می‌افتد - سیستم خانواده را به سوی پیچیدگی سوق دهد. در سیستمی مانند خانواده، بین اجزای آن تعامل (دوستانه یا غیردوستانه) وجود دارد و به دنبال آن تأثیرگذاری و یا تأثیرپذیری اتفاق می‌افتد. بر اساس نوع تعامل؛ رفتار شکل می‌گیرد.

سیره امام رضا (ع) در خانواده و تربیت فرزند: امام علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) (۱۴۸-۲۰۳) از یک‌سو، به لحاظ ویژگی‌های انسانی و اخلاقی و از سوی دیگر، به دلیل تسلط زیادی که بر علوم مثل: فلسفه، کلام، فقه، تفسیر، حدیث، نجوم و طب داشته، از شخصیت منحصر به فردی برخوردار بوده است (۲۱)؛ وی را عالم آل‌محمد (ص) نامیده‌اند. به‌ویژه در زمینه کارکردهای خانواده و تربیت فرزند، سیره نظری و عملی آن حضرت، روشن‌گر خط مشی خانواده برای تربیت فرزند می‌باشد. چون که آبشخور سیره وی الهی بوده و بر اساس فطرت انسانی شکل گرفته است. در این بخش به بررسی بخشی از سیره امام رضا(ع) پرداخته می‌شود؛ که مرتبط با خانواده و تربیت فرزند بوده است. اگرچه به دلیل محدودیت در ظرفیت پژوهش؛ تنها برخی از روایات در این حیطه مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

کرامت انسانی: بر اساس سیره حضرت رضا (ع)، یکی از مسائل حائز اهمیت در تربیت؛ توجه به کرامت انسانی است. منشأ بسیاری از رفتارهای غیر انسانی و تهاجمی، نادیده گرفتن اصل کرامت انسانی است. آگاه نمودن افراد خانواده به رعایت حقوق و کرامت انسانی شرایطی برای ظهور و بروز آرامش و عدالت فراهم می‌آورد. اهمال خانواده در این زمینه و نادیده گرفتن کرامت انسانی، باعث می‌شود که فرد به هر گونه پستی تن دهد.

در دین اسلام دو نوع کرامت برای انسان‌ها ثابت شده است که عبارت‌اند از: اول کرامت ذاتی و حیثیت طبیعی که همه انسان‌ها مادامی که با اختیار خود به جهت ارتکاب خیانت و جنایت بر خویشتن و بر دیگران آن کرامت را از خود سلب نکنند؛ از این صفت شریف برخوردارند. دوم کرامت ارزشی است که از به‌کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال و خیرات ناشی می‌گردد. این کرامت اکتسابی و اختیاری است که ارزش نهایی و عالی انسان مربوط به همین کرامت است. (۲۲).

بعضی از نظام‌های حقوقی دنیا، در دوران معاصر کرامت انسانی را در همین کرامت ذاتی منحصر نموده و از کرامت و حیثیت بالاتر که ما آن را کرامت ارزشی می‌نامیم سخنی به میان نمی‌آورند (۲۲). در کرامت ارزشی (ارزش عالی) و اکتسابی، ملاک امتیاز بر مبنای تقوا استوار است. انسان‌های یاتقوا کسانی هستند که ذات (خود، من، شخصیت) خود را از آلودگی‌ها و عوامل تباہ‌کننده

### 1. Functional

۱. وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَی كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (آیه ۷۰ سوره اسراء)

۲. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (آیه ۱۳ سوره حجرات)

آمده است. نقض قوانین ملی و بین‌المللی، به‌ویژه اشکال مختلف خشونت علیه زنان در جامعه را به‌وجود آورده است. برای تضمین برقراری حقوق انسانی جوامع، رعایت این حقوق برای تمامی افراد جامعه لازم و بلکه ضروری است. علاوه بر آن سایر ارکان تربیت؛ مانند رسانه و کانون‌هایی با هدف آگاهی‌بخشی به افراد، در زمینه حقوق و منزلت انسان‌ها و هویت انسانی، به آگاهی‌بخشی بپردازند.

روشهای تربیتی

#### ۱- روش الگویی

یعنی خانواده در این زمینه برای فرزندان الگو باشند و رفتار آنان بر اساس عدالت و کرامت باشد. پدر امام رضا(ع) الگوی خوبی برای فرزندش بود. موسی بن جعفر الکاظم (ع) هرگاه می‌خواست فرزندش امام رضا (ع) را صدا کند، احترام می‌گذاشت و او را با کنیه «ابوالحسن» خطاب می‌کرد، حتی حضرت در غیاب ایشان نیز با اسم (علی) از ایشان یاد نمی‌کرد؛ بلکه با لقب «رضا» که نشان از بزرگداشت ویژه بود، نام می‌برد؛ مثلاً می‌فرمود: «فرزندم رضا» را صدا کنید، یا به «فرزندم رضا» گفتم یا «فرزندم رضا» به من گفت (۲۳).

#### ۲- روابط انسانی و محبت‌آمیز

امام رضا (ع) با فرزند خود امام جواد (ع) بسیار محترمانه برخورد می‌نمود و امام جواد (ع) نیز متقابلاً رفتاری همراه با احترام با پدر خود داشتند. امام رضا(ع) در احادیث متعدد افراد را به قدردانی از پدر و مادر سفارش نموده است. از حضرت رضا (ع) نقل شده است: «برای پدر و مادرت دعا کن، صدقه بده و تا زمانی که زنده‌اند، با آنان مدارا کن» (۲۶). معمر بن خلاد گوید: «به امام رضا(ع) عرض کردم: هرگاه پدر و مادرم مذهب حق را نشانند، دعای‌شان کنم؟ فرمود: برای آن‌ها دعا کن و از جانب آن‌ها صدقه بده و اگر زنده باشند و مذهب حق را نشانند با آن‌ها مدارا کن، زیرا رسول‌خدا (ع) فرمود: خدا مرا به رحمت فرستاده نه به بی‌مهری و نافرمانی» (۲۷). همچنین امام رضا(ع) می‌فرماید: «بزرگان خود را احترام نهید و به اطفال خود مهربانی کنید» (۲۸). فرهنگ روابط انسانی و محبت‌آمیز باید در خانواده شکل بگیرد.

#### تربیت اجتماعی

مبنای دوم از مبانی انسان‌شناختی که در سیره نظری و عملی امام رضا (ع) مشهود بود؛ توجه به تربیت اجتماعی فرزندان است. وی با اخلاق انسانی و فضائل اخلاقی، علاوه بر آنکه روابط اجتماعی خود را تحکیم می‌بخشید، فرزند خود امام جواد (ع) را نیز فردی اخلاقی و به لحاظ روابط اجتماعی، شایسته تربیت کرد؛ به‌عنوان مثال زمانی که حضرت در مرو بود، نامه‌ای به فرزندش امام جواد(ع) نوشت که مضمون آن این‌گونه بود:

«ای ابوجعفر (لقب حضرت جواد علیه‌السلام؛ شنیده‌ام هنگامی که سوار مرکب می‌شوی، غلامان تو را از درب کوچک بیرون می‌برند. این از بخل آن‌هاست، زیرا نمی‌خواهند خیر تو به کسی برسد و تو اتفاق کنی. به حقی که من بر گردن تو دارم، از تو می‌خواهم که رفت و آمدت، فقط از درب بزرگ باشد. هنگامی که بیرون می‌روی، زر و سیم با خود داشته باش و هر کس از تو چیزی خواست، باید به او بدهی. من می‌خواهم به این وسیله، خدای تو را بزرگ کند و توفیق دهد. اتفاق کن و ترس از اینکه روزی‌ات کم شود یا تهی‌دست شوی» (۲۷، ۲۸)

حضرت با این درخواست از فرزندش، او را در یک موقعیت اجتماعی قرار می‌دهد که امام جواد (ع) روابط خود را با مردم حفظ کند و به آن‌ها کمک نماید. به او متذکر می‌شود که به‌وسیله کمک به مردم، خداوند او را بزرگ می‌کند. به‌نظر می‌رسد منظور از بزرگ شدن، رشد یافتن و ارزشمند شدن و مقام عالی پیدا کردن است. در اینجا حضرت، یک نظام اخلاقی مبتنی بر اخلاق عملی را در فرزند خود شکل می‌دهد که پیامد آن رعایت حقوق و اخلاق اجتماعی است، همان چیزی که به‌خاطر آن مکاتب گوناگون در جهان ظهور یافته و هر یک به نوعی پیرامون آن سخن گفته‌اند. این نکته حائز اهمیت است که حضرت برای سعادت فرزندش، آن‌گونه برنامه زندگی را یادآوری می‌کند که هم به اخلاق فردی توجه دارد و هم به اخلاق اجتماعی. نکته اساسی دیگر در این روایت، استمرار هدایت فرآیند تربیت است. دغدغه این مسأله برای حضرت تا به آنجاست که حتی در سفر هم از آن غافل نمی‌شود.

تطبیق جهت‌گیری‌های مختلف درمورد خانواده و تربیت فرزند

جدول ۱. تطبیق جهت‌گیری‌های مختلف خانواده و تربیت فرزند

شخصیت	مداخلات در خانواده و تربیت فرزند	زیرمقولات	مقولات	تم
درمان سستیر	سیستمی - خودباوری مهارت‌های خانواده - مهارت‌های ارتباطی کلامی و غیرکلامی	کشف الگوهای ناکارآمد - احساس ارزشمندی - زبان‌بدن - ارتباط براساس اعتماد - سبک پیام‌دهنده - انسان‌گرایی - فرایندی تجربی -	بازسازی خانواده - سبک‌های ارتباطی -	ارتباطی
مینوچین	درمان سیستمی - اجتماعی کردن فرزند - حمایت متقابل والدین / ارتباطات زیاد / وضوح مرزهای درونی و بیرونی	مسؤولیت‌پذیری - افزایش تحمل - سازش - پشتیبانی - انعطاف‌پذیری / همگرایی بین یک‌والد و یک‌فرزند - ایجاد مشکل در سلسله مراتب قدرت - ازهم گسیختگی ساختاری / مرزهای درهم‌تنیده و بدون مرز مشخص - مرزهای گسسته	ارزش‌های خانواده - آهنگ آرام زندگی / اثناقات / مرزها	ساختاری
امام رضا(ع)	مهارت‌های اجتماعی کردن فرزند - هنرگفتگو - پیشگیری	کرامت‌ذاتی - کرامت‌ارزشی / حفظ روابط با مردم - رشد و تعالی / اخلاق فردی - اخلاق اجتماعی - یکسان‌سازی و نابودی / شایستگی‌های فردی - تعاملات سودمند - نکات اخلاقی و احترام به مخاطب	کرامت انسانی - تربیت اجتماعی - رعایت تفاوت انسان‌ها - گفت‌وگو	انسانی - اسلامی

## بحث و نتیجه گیری

کرامت انسانی اولین ویژگی شاخص در سیره امام رضا (ع) برای تربیت فرزند است که در این پژوهش به دست آمده است. این ویژگی در رفتار حضرت با فرزندش امام جواد (ع) قابل درک است. علاوه بر این، رفتار امام رضا (ع) در عرصه اجتماعی به خوبی این ویژگی را در وی نمایان می‌سازد. روایاتی که وی نقل نموده است؛ و در متن به آن اشاره شد، بر صحت این مدعا می‌افزاید. با این نگرش، بدیهی است که سیره امام در این باب نشانگر وجهه الهی انسانی است.

در این راستا ویرجینیا ستیر نیز احساس ارزشمندی در فرد را سنگ بنای بهداشت روانی فرد در خانواده دانست. از نظر ستیر این حس ارزشمندی را اعضای خانواده به فرد می‌دهند و خانواده این حس را به کودکان می‌آموزد.

دومین ویژگی شاخص در سیره امام رضا (ع) که در این پژوهش به آن پرداخته شده است؛ ویژگی تربیت اجتماعی فرزند است. امام رضا (ع) فرزند خود را در موقعیت‌های اجتماعی قرار می‌داد و در ارتباطی وثیق به تربیت فردی و اجتماعی امام جواد (ع) توجه می‌نمود. بخشی از اهداف تربیت اجتماعی، یادگیری همزیستی اجتماعی و قبول مسؤلیت‌های اجتماعی و رشد متوازن در همه ابعاد فردی و اجتماعی است. فردی که به مرحله‌ای از تربیت اجتماعی رسیده است، از هرگونه فردگرایی و خودبینی به دور است و جامعه برایش اهمیت پیدا می‌کند. امام رضا (ع) به وسیله ورود فرزندش در جامعه و رفتار مناسب با افراد جامعه؛ از خداوند خواست فرزندش را بزرگ کند (رشد دهد) و توفیق دهد. این نکته حکایت از اهمیت دادن امام رضا (ع) به تربیت اجتماعی فرزندش بوده است. زندگی امام جواد (ع) در سال‌های بعد نیز نشانگر این مسأله است. وی در مقام امام و پیشوا؛ شایستگی یافت که تربیت و رهبری انسان‌های بسیاری را عهده‌دار گردد. در واقع او با ورود به جامعه و ارتباط و تعامل صحیح با افراد جامعه مقام شایسته‌ای یافت. مینوچین هم‌سو با این نگرش، یکی از کارکردهای خانواده را اجتماعی‌شدن فرزندان دانست. به‌طور کلی الگوی ساختاری مینوچین، اذعان داشته که مشکل کودکان و افراد خانواده ممکن است مربوط به محیط اجتماعی آنان باشد. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره رفت، مینوچین یکی از ارزش‌های خانواده را مسؤلیت نسبت به دیگران می‌داند. ویرجینیا ستیر نیز در نظریه ارتباط؛ بر الگوهای ارتباطی مناسب اهتمام ورزیده است. اما در تقابل با نظریه اسلام، ستیر در کنار تأکید بر ارتباطات، والدین را از سرکوب کردن احساسات فرزندان منع نموده و سهمی برای ابراز احساسات بدون قید و شرط قائل گردیده است. اگرچه دین اسلام نیز سرکوب کردن احساسات مانند خشم را جایز نمی‌شمارد؛ زیرا این امر فرد را مستعد ابتلا به اختلالات جسمانی و روانی می‌گرداند. در این زمینه، دین اسلام نوعی مدیریت و کنترل هشیارانه احساسات را توصیه می‌کند. در این زمینه از امام رضا (ع) درباره بهترین بندگان سؤال شد. فرمود: آنان که هرگاه نیکی کنند خوشحال شوند، و هرگاه بدی کنند، امرزش خواهند، و هرگاه عطا شوند شکر گزارند و هرگاه بلا ببینند صبر کنند، و هرگاه خشم کنند، درگذرند. در اینجا منظور چشم‌پوشی از گناه فرد؛ در زمان عصبانی شدن از فردی است. از نظر دین اسلام؛ آموزش خویشتن‌داری و کنترل احساسات به کودکان، دارای اهمیت است. در این زمینه خانواده الگوی خوبی هستند. در دنیای پر تنش و پراضطراب امروز، آموزش خویشتن‌داری به کودکان یکی از هنرهای والدین است.

سومین ویژگی شاخص در سیره امام رضا (ع) رعایت تفاوت انسان‌ها است. امام رضا (ع) تفاوت انسان‌ها با هم را برای جوامع بشری ضروری و لازم می‌شمارد. پدر وی نیز با فرزندان خود؛ بر اساس شایستگی‌هایی که دارند رفتار می‌کند و بدین‌گونه فرزند صالح و برانده‌ای چون امام رضا (ع) را که الگوی شایسته‌ای برای

جامعه بشریت است، تربیت می‌کند. ستیر نیز هم‌سو با این نگرش؛ به رعایت تفاوت‌ها در خانواده اشاره نموده است.

چهارمین ویژگی شاخص در سیره امام رضا (ع) از نظر پژوهشگر گفت‌وگو است. گفت‌وگو نوعی تعامل سازنده میان افراد است. سیره امام رضا (ع) در خانواده، تعامل و گفت‌وگو بود. علاوه بر آن گفت‌وگو و مناظره‌هایی با اندیشمندان ادیان مختلف داشتند؛ که نقش به‌سزایی در همزیستی مسالمت‌آمیز ادیان داشته است. وی احترام به طرف مقابل و رعایت نکات اخلاقی را جایز شمرده و در عمل به کار می‌گیرد. می‌توان گفت که گفت‌وگو باعث کاهش اضطراب و افسردگی شده و فرصتی برای ابراز وجود، غنای فضای عاطفی، احساس حمایت اجتماعی خانواده، رشد اعتماد به نفس و احساس امنیت برای در میان گذاشتن عواطف با اعضای خانواده است. والدین می‌توانند از طریق گفت‌وگو با فرزندان خود، در باره نحوه صحیح استفاده از فضای مجازی، آگاهی لازم را به آن‌ها بدهند. نقد متنها و فیلم‌های موجود در این فضا و همراهی با فرزندان در استفاده درست از این فضا می‌تواند علاوه بر اینکه اسباب استفاده صحیح از این فضا را فراهم آورد، به ایجاد روابط گرم خانوادگی نیز بینجامد.

هم ستیر و هم مینوچین برای رفع مشکلات خانواده در قالب ارتباط و تعامل؛ به گفت‌وگو اشاره نموده‌اند. ستیر یکی از اصول زندگی مثبت را گفت‌وگو کردن واضح و به‌دور از ابهام بیان نموده است. وی ارتباطات غیرکلامی را نیز مهم دانسته است. (۳۰) معتقد است که: «خانواده به پدر و مادری نیاز دارد که به برقراری یک رابطه سالم باهم متعهد باشند و بتوانند آن چنان محیط امنی ایجاد کنند که فرزندان بدون ترس و به‌دور از تباهی و آلودگی رشد و تکامل یابند. در نظام‌های سالم خانوادگی، تبادل‌نظر و گفت‌وگو وجود دارد و روابط افراد با یکدیگر ملایم و مطبوع است». ستیر ارتباطات مؤثر در خانواده را ضامن خودشکوفایی فرزندان دانست و الگوهای نامعتبر ارتباطی را به ضعف عزت‌نفس نسبت داد. توجه ستیر به نقش ارتباط و تعامل صحیح؛ منحصر به فرد است. همان‌گونه که (۱۳) تأکید نموده است که: هر قدر برقراری ارتباط کلامی و عاطفی میان اعضای خانواده بیشتر باشد، آن خانواده سالم‌تر و بانشاط‌تر و استوارتر است.

مینوچین ارتباطات ناسالم را نوعی ائتلاف خواند که بین یک فرزند و یکی از والدین؛ بر علیه والد دیگر رخ می‌دهد و سلسله مراتب قدرت در خانواده را زیر سؤال می‌برد. وی با مطرح کردن بحث «مرزهای بین زیرمنظومه‌ها» انواع ارتباط و تعامل بین والدین و فرزندان را به‌نوعی روشن نمود و نتیجه گرفت که در عملکرد خانواده سالم، میزان ارتباط اعضای خانواده باهم زیاد است و مرزها و تمایز در آن مغشوش است. بر این اساس می‌توان گفت الگوهای ارتباطی - تعاملی صحیح در خانواده باعث حس ارزشمندی در کودکان می‌گردد و حفظ و قوام خودباوری آنان را تضمین می‌کند.

اگرچه امروزه نظریه‌پردازان تفکر سیستمی بیش از اسلاف خود یکپارچه‌نگر هستند. اما به‌طور کلی می‌توان گفت تفکر سیستمی با تمرکز بر تغییر روابط و تعاملات؛ حل مشکلات انسانی را در کانون توجه خود قرار داده است. اگرچه آنها برای رفع مشکلات خانواده، به دلیل پیچیدگی‌های رفتار انسانی، موضع‌گیری‌های خاص خود را داشته‌اند. برای نمونه مدل تجربی ستیر در کاهش آلام خانواده، نقش به‌سزایی داشته است. وی تعاملات صحیح و رهایی انسان‌ها را برای شکوفایی شدن مطرح می‌کند. تربیت انسانی در پیش اسلامی، تنها به شکوفایی استعدادها بسنده ننموده؛ بلکه کمال و تعالی انسان را مطرح نموده است. انگاره زندگی خوب در پرتو تعالی انسانی شکل می‌گیرد. روح پایان‌ناپذیر انسان با رسیدن به غایت زندگی سیراب می‌شود. غایت مطلوب زندگی انسان؛ خدا و بندگی اوست. یعنی هرآنچه که خدا از بنده خواسته، بدان عمل

11. Gardner, W. War on the Family, translated by Masoumeh Mohammadi, Ch 3, Qom: Office of Women's Studies and Research, 2013.
12. Minuchin SN, Michael P, Youngley, WY. Family and couples assessment; From Symptom to System, translated by Anahita Kokabakhshikulai; In collaboration with his teammate Assadollah and Alireza Malekitbar, Tehran: Immortal Forest, 2011.
13. Behpezhoo A. Principles of establishing a human relationship with children in high school, in the teachers of the comprehensive plan for education of family, family and children in high school, Tehran: Parents and Teachers Association, 1999.
14. Kazemi S, Seif MS. Family therapy from the perspective of Satir, Tehran: Pazineh, 2010.
15. Giddens, A. The world is slippery, translated by Ali Attaran, Tehran: Parseh book, 2015.
16. Minuchin S, Fishman, HC. Family therapy techniques, translated by Farshad Bahari and Farah CIA, Ch 10, Tehran: Roshd, 2018.
17. Onder Fulya C, Yasin Y. The Role Of Life Satisfaction And Parenting Styles In Predicting Delinquent Behaviors Among High School Students. *Educational Sciences: Theory & Practice*, 2012, 12(3): 1744-8.
18. Razavidost Gh, Mousavi SMH, Hosumi V, et al. "Ethical requirements of family and family from the perspective of Imam Reza (AS)", 2015, No. 41, 15-70.
19. Salarifar MR, Younesi, SJ, Sharifinia MH, et al. "Fundamentals and structure of Islamic couple therapy", *Journal of Islamic Studies and Psychology*, 2013, 7 (12), 37-68.
20. Coombs, Gerald R, Daniels, Laurie B. Philosophical research: conceptual analysis, translated by Khosrow Bagheri in: Edmund C. Short, "Curriculum Studies Methodology" translated by Mahmoud Mehr Mohammadi et al., Tehran: Samat, 2013.
21. Ibn Babawiyah Qomi, Muhammad Ibn Ali, Ayoun Akhbar al-Reza (AS), translated by Mohammad Saleh Roghani Qazvini, vol. 2, Qom: Jamkaran Mosque, 2010.
22. Jafari Tabrizi, MT. "The Right to Human Dignity", *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, 1992, Vol, 27 (0).
- کند. تربیت صحیح انسان را به این مرحله می‌رساند. چنین فردی سعادت دنیا و آخرت نصیبش خواهد شد.
- دومین نکته که تفاوت رویکردهای نوین و نگرش اسلام می‌باشد این است که؛ در خانواده با نگرش اسلامی؛ برترین خلقت آفرینش؛ یعنی انسان پرورش می‌یابد. خانواده فراتر از یک کارخانه است که در رویکرد تجربه‌گرا از آن یاد شده بود. انسان تنها موجودی است که می‌تواند به اصول اخلاقی پایبند باشد و سرنوشت خود را بسازد. بهتر است از واژه کارخانه استفاده نشود. زیرا وقتی سخن از کارخانه است؛ برای ما تولیدات یکسان و از پیش تعیین شده تداعی می‌گردد. در صورتی که خانواده مکانی است که انسان‌ها بر اساس شایستگی‌هایی که دارند و نیز شایستگی‌هایی که در اثر تربیت صحیح به آن دست می‌یابند، رشد می‌کنند و هدایت می‌شوند. اگر در خانواده تعللی در وظایف خود در این زمینه داشته باشد، ممکن است کودکان از رشدی که شایسته آنان است؛ باز بمانند و زمینه‌های ضلالت برای آنها فراهم گردد.
- سومین نکته قابل ذکر این است که در رویکردهای نوین، بیشتر بر درمان مسائل و مشکلات متمرکز است. در حالیکه در سیره امام رضاع) بیشتر جنبه پیش‌گیری بارز است. ارتقای تفکر سیستمی با رویکرد اسلامی نکته قابل توجه این پژوهش است.

## References

1. Marzooqi R, Haddadnia, S. The nature of the foundation of education; An Approach to Islamic Education, Ch 2, Tehran: Avaye Noor, 2017.
2. Panahi, A. The Role of Men and Women in the Family with an Islamic Approach, Qom: Seminary and University Research Institute, 2019.
3. Minochin, S. Family and Family Therapy, translated by Baqer Sanaei, Ch4. Tehran: Amirkabir, 2002.
4. Weiju Z, Zhiping Z, Juan L. The "Family" Section in Current Elementary Social Studies Textbooks in China. *Journal of Education and Training Studies*, 2017.
5. Venera GZ, Ekaterina LN. Developing the Pedagogical Culture of Parents by Means of Social Partnership with a Supplementary Education Institution. *International Journal of Environmental and Science Education*, 2016, 11(8), 2099-111.
6. Tezci E, Sezer F, Aktan S, et al. Do Lifestyles Shape Self-Regulated Learning Strategies?. *Eurasian Journal of Educational Research*, 2016, (65): 239-58.
7. Doherty W, McDaniel, S. Family therapy, translated by Ali Niloufari, Tehran: Arjmand, 2010.
8. Nawabinejad, Sh. Trilogy on guidance and education of children, Ch 7, Tehran: Parents and Educators Association, 2001.
9. Milgram, RM. teaching gifted and talented learners in regular Classrooms. USA, 1990.
10. Michael N. "A Switch to Reagan: For a Strong America," *Commonwealth*, October 24, 1980.

23. Ibn Babawiyah Qomi, Muhammad ibn Ali, Ayoun Akhbar al-Reza (AS), translated by Ahmad Banpour, vol. 1, Mashhad: Ostovar, 2012.
24. Majlisi, MB. Baharalanvar, vol. 49, Tehran: Islamic Library, 2016.
25. Majlisi, MT. Sea of Lights, vol. 49, Beirut: Dar Al-Ihyaa Al-Tarath Al-Arabi, 1997.
26. Alatarodi Al Khabooshani She. Musnad al-Rezaabi al-Hassan al-Ali ibn Musa, vol. 2, Tehran: Arabic Sadiq School, 2013.
27. Klini, MY. Sufficient Principles, translated by Mehdi Ayatollah, vol. 3, Tehran: Jahan Ara, 2008.
28. Ibn Babawiyah Qomi, Muhammad Ibn Ali, Ayoun Akhbar Al-Reza (AS), translated by Hamid Reza Mostafid and Ali Akbar Ghaffari, vol. 1, Tehran: Sadough, 1994.
29. Stir, V. Humanization in Family Psychology, translated by Behrouz Birshak, Ch 7, Tehran: Roshd, 2009, (year of publication in the original language 1970).